

## جهاد: امتداد اسلام سیاسی

آن، بازیگری ایدئولوژیهای رادیکال دینی چندان مورد انتظار نبود. از این رو، ظهور دیگر باره اسلام سیاسی به ویژه نمایش چهره رادیکال آن، در آغاز دهه ۱۹۸۰ بسیاری از سیاستمداران و پژوهشگران را شگفت زده کرد. اغلب پژوهشگران در این زمان به دنبال یافتن پاسخی برای «چرایی» بودند و می کوشیدند با کاوش در متون مقدس یا بررسی ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع خاورمیانه ای، به علل خیزش مجدد اسلام سیاسی و به خصوص رادیکال شدن آن پی ببرند.

یک دهه بعد، یعنی از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، تحولی دیگر نظر پژوهشگران را به خود جلب کرد: بسیاری از جنبشهای رادیکال دچار دگردیسی شدند و گروههای اسلام گرای میانه رو به تدریج قدرت گرفتند. نکته مهم اینجا بود که دگرگونی چهره اسلام سیاسی - و به حاشیه رفتن گرایشهای رادیکال - رویدادی بود که هم در جهان اهل سنت و هم در دنیای شیعه مذهب مشاهده شد. البته از اواخر همین دهه برخی گروههای رادیکال فعالیتهای خود را تشدید کردند و حتی وارد فاز مبارزه

Gilles Kepel, Jihad; *The Trail of Political Islam*, Translated by Anthony F. Roberts, London: I. B. Tauris, 2002, 454 Pages.

دکتر سید عبدالامیر نبوی

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهشهای علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه

رشد و گسترش فعالیتهای سیاسی و

فرهنگی به نام «اسلام» در خاورمیانه و شمال آفریقا در آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی، که بی تأثیر از وقوع انقلاب ایران نبود، موجی از مطالعات جدی و گسترده را در این زمینه پدید آورد. البته فعالیتهای اسلام گرایانه در منطقه، از یک دید، پدیده جدیدی نبود و پیشینه آن دست کم به ظهور اخوان المسلمین مصر برمی گشت و حتی ویژگی مبارزه جویانه آن نیز در برخی کشورها مانند مصر و سوریه مشاهده شده بود. با این حال، سیر تحولات جهانی و منطقه ای چنان رقم خورد که در چارچوب

بین‌المللی شدند، اما نتوانستند همچون آغاز دهه ۱۹۸۰ به صورت جریان غالب درآیند. در نتیجه از این زمان به بعد، تحلیلگران مسایل منطقه به دنبال پاسخیابی برای یک «چرا»ی دیگر بودند و همین امر موج دیگری از مطالعات درباره اسلام سیاسی را به دنبال آورد. اگر قرار باشد فهرستی از جدی‌ترین و دقیق‌ترین تحلیلگران پدیده اسلام سیاسی تنظیم شود، بی‌تردید نام ژیل کپل، جامعه‌شناس فرانسوی، در کنار نامهایی چون لوئیس، دکمجان، تیبی و تسلر قرار خواهد گرفت؛ چرا که وی سالهاست در هر دو زمینه (گسترش و دگرگونی اسلام سیاسی) به مطالعه و تحقیق پرداخته و آثار مهمی را پدید آورده است. نخستین اثر وی کتاب «پیامبر و فرعون» (۱۹۸۴)، ویراست جدید (۱۹۹۳) بود که به بررسی افراط‌گرایی اسلامی در مصر اختصاص داشت و مبتنی بر مطالعات و مشاهدات دقیق او بود.<sup>(۱)</sup> دیگر

کتاب مشهور وی «انتقام خدا» (۱۹۹۱) نام دارد که تاکنون به ۲۰ زبان ترجمه شده است و طی آن، کپل می‌کوشد خیزش دیگر باره سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت را در دنیای مدرن توضیح دهد.<sup>(۲)</sup> یکی از جدیدترین آثار کپل جهاد: گسترش و افول اسلام‌گرایی نام دارد که در سال ۲۰۰۰ توسط گالیمار - ناشر معروف و معتبر فرانسوی - منتشر گردید<sup>(۳)</sup> و دو سال بعد، با اندکی تغییر، ترجمه انگلیسی آن عرضه شد. اهمیت کتاب جدید کپل در آن است که هر دو بعد گسترش و دگرگونی اسلام سیاسی مورد توجه وی قرار گرفته و در ضمن کوشیده است تا نگاهی به تجربه تمامی کشورهای منطقه داشته باشد. از این رو خواننده تصویری کلی از تحولات اسلام‌گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا، و حتی خارج از منطقه، به دست می‌آورد و با داستان اسلام سیاسی در دو دهه اخیر آشنا می‌شود. در

۱. این کتاب به فارسی ترجمه شده است، رک: ژیل کپل، پیامبر و فرعون (جنبش‌های نوین اسلامی مصر)، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

۲. برای آگاهی بیشتر از آثار کپل، رک:

[www.cri-sciences-po.org/cherlist/kepel.htm](http://www.cri-sciences-po.org/cherlist/kepel.htm).

3. Giller Kepel, *Jhad, Expansion et declin de L'Islamisme*, Paris: Gallimard, 2000. گزیده‌ای از این متن در این منبع آمده است: نادر انتخابی، «اسلام سیاسی در جهان معاصر»، فصلنامه نگاه نو، شماره ۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۲۷-۲۹.

زیر، گزارشی از این کتاب می‌آید.

کتاب «جهاد» شامل مقدمه، دو بخش (۱۵ فصل)، نتیجه‌گیری و چند پیوست است. بخش نخست با عنوان «گسترش» در ۸ فصل تنظیم شده است و در آن، پیشینه اسلام سیاسی و تجربه آن در مصر، مالزی، پاکستان، ایران، افغانستان، سودان، فلسطین، الجزایر و اروپا به تفصیل بررسی شده است، بخش دوم نیز تحت عنوان «افول»

به تحولات اخیر اسلام‌گرایی در همان کشورها پرداخته شده است. اگرچه نگاه کیپل، همچون آثار پیشین وی، جامعه‌شناسانه است، اما از بررسی برخی متغیرهای مؤثر منطقه‌ای و جهانی غافل نمانده و همین نکته موجب شده است که تحلیل‌هایش حالت چند بعدی بیابد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که مبنای این مطالعه و برخی دیگر از نوشته‌های کیپل قرار گرفته، «وحدت کلمه» است. به نظر او، موفقیت‌ها و شکست‌های جنبش‌های اسلام‌گرا در ربع قرن گذشته ناشی از موفقیت یا شکست آنها در ایجاد وحدت کلمه یعنی ائتلاف میان روشنفکران مذهبی، جوانان تهیدست شهری و طبقه متوسط سنتی بوده

است. در جریان انقلاب ایران، این ائتلاف پدید آمد و موفق به کنار زدن رژیم حاکم گردید، اما این تجربه در سایر کشورهای منطقه، به دلایلی چند، تکرار نشد. چنانچه این مطلب پذیرفته شود، می‌توانیم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا برخی جریان‌ات اسلام‌گرا توانسته‌اند به هدف خود دست یابند و بعضی جریان‌ات هم به سختی شکست خوردند.

نخستین فصل کتاب با نام «انقلاب فرهنگی» به بحث از زمینه‌های فکری اسلام‌گرایی، و به ویژه نظریه پردازان آن، اختصاص یافته است. تأسیس اخوان المسلمین در مصر (۱۹۲۸) نقطه عطفی در تاریخ اسلام‌گرایی به شمار می‌آید؛ چرا که حسن البنا در رقابت با احزاب و گروه‌های سیاسی غیردینی، جنبشی سنی-سلفی را پایه‌گذاری کرد تا کامل بودن دین اسلام و توانایی آن برای اداره اجتماع را تبلیغ کند. در دهه‌های بعد سید قطب به نظریه پرداز اصلی جنبش تبدیل شد و سپس اختلاف نظر میان رادیکال‌ها (هواداران سید قطب) و میانه‌روها (پاسداران میراث حسن البنا) سبب رقابت‌ها و انشعاباتی مهم

شد. در ادامه این فصل، اندیشه‌های ابوالعلا مودودی، آیت‌الله خمینی (ره) و دکتر علی شریعتی به اختصار معرفی گردیده است؛ چرا که این سه در پیشبرد پروژه اسلام سیاسی نقش انکارناپذیری داشتند.

فصلهای دوم (اسلام در اواخر دهه ۱۹۶۰) و سوم (تأسیس اسلام نفتی بر ویرانه‌های ملی‌گرایی عربی) چشم‌اندازی از وضعیت کشورهای اسلامی را در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی ارائه و به خصوص بر پدیده وهابیت تمرکز می‌کند. بازبینی پدیده وهابیت از آن رو مهم می‌نماید که بدانیم اخوان المسلمین مصر از مهم‌ترین هدف وهابی‌ها (بازگشت به سنت سلف صالح) و برخی از ابعاد اندیشه‌های آنان اثر پذیرفت و پس از سرکوب شدید اخوان به دستور جمال عبدالناصر، عربستان به یکی از پایگاه‌های مهم آن تبدیل شد. به نظر کپل، در خلال این دو دهه، عربستان و پاکستان - پس از کودتای ضیاء الحق - تنها کشورهای اسلامی محسوب می‌شدند که در آنها پیوندی میان دین و سیاست ایجاد شده بود. در مقابل، نهاد دین و علمای دینی در سایر کشورهای اسلامی، به رغم تنوع رژیم‌های

سیاسی و تفاوت پیشینه تاریخی و فرهنگی آنها، تضعیف شد. در سالهای دهه ۱۹۷۰ تحولاتی چند چهره خاورمیانه و شمال آفریقا را دگرگون کرد و مسیر را برای بازیگری اسلام‌گرایی رادیکال هموار نمود. از جمله این تحولات می‌توان به بحران ملی‌گرایی عربی، گسترش وهابیت و ناتوانی حکومت‌های خاورمیانه‌ای در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. البته هر یک از کشورهای منطقه مشکلات خاص خود را نیز داشتند که در فصل‌های مربوطه بیان شده است.

فصل‌های چهارم تا هشتم به بررسی رشد و گسترش اسلام‌گرایی در کشورهای گوناگون اختصاص یافته است: مصر، مالزی و پاکستان (فصل ۴)، ایران (فصل ۵)، افغانستان و فلسطین (فصل ۶)، الجزایر و سودان (فصل ۷) و اروپا (فصل ۸).

مطالعه پدیده اسلام‌گرایی در کشورهای مختلف و تطبیق چگونگی رشد و گسترش آنها - در بخش نخست - نشان می‌دهد که ایران، در این میان، وضعیت خاصی داشته است و همین امر سبب پیروزی اسلام‌گرایان و تسخیر قدرت شد. ویژگی

ایران در آن بود که وحدت کلمه به وقوع پیوست؛ یعنی ائتلافی میان روشنفکری مذهبی، جوانان تهیدست شهری و طبقه متوسط سنتی - که نویسنده از آن با عنوان بورژوازی دیندار نام می برد - پدید آمد. پیروزی انقلاب ایران جذابیت فراوانی برای حرکت‌های اسلام‌گرایانه در منطقه ایجاد کرد، اما واقعیت این بود که چنین ائتلافی در دیگر کشورها صورت نگرفت. از سویی، حکومت‌های کشورهای اسلامی هم‌زمان با سرکوب گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال به اتخاذ سیاست‌های دینی روی آوردند و در ضمن زمینه را برای فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو هموار نمودند. در بعد تبلیغی نیز آنان بر «شیعی» بودن انقلاب ایران تأکید کردند تا این تجربه را تکرارناپذیر معرفی کنند.<sup>(۱)</sup> از سوی دیگر، طبقه متوسط جدید در کشورهای اسلامی با نظر به دگرگونی‌های بعدی در ایران به حفظ وضعیت موجود و عدم تغییر حاکمان رضایت داد؛ چرا که آزادی‌های فردی، زندگی خصوصی و

ارزش‌های مدرن را در صورت روی کار آمدن اسلام‌گرایی در خطر می‌دید. از این رو کپل نتیجه می‌گیرد که وقوع انقلاب ایران، هم در گسترش و شکوفایی اسلام‌گرایی در منطقه مؤثر بوده است و هم در افول آن. نخستین کشوری که عدم وحدت میان سه نیروی اجتماعی یاد شده موجب شکست اسلام‌گرایی شد، مصر بود. اسلام‌گرایی رادیکال می‌پنداشتند با ترور سادات می‌توانند حکومتی اسلامی در این کشور تأسیس کنند، اما به جز کامیابی در ترور دستاورد دیگری نداشتند. در این میان، اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ رویداد مهمی بود که موجب انحراف توجه اسلام‌گرایان از مسایل داخلی شد. در خلال سال‌های جهاد در افغانستان بود که پدیده «افغان عرب» شکل گرفت که جریانی بسته، تندرو و خشک‌اندیش بود و می‌خواست تجربه جهاد را در دیگر کشورهای منطقه پیاده کند.

بخش دوم تحت عنوان «افول» به

۱. واقعیت این است که شیعی بودن جنبش انقلابی ایران، پرسشی مهم را در برابر اسلام‌گرایان اهل سنت به وجود آورد. از این روست که می‌بینیم اخوان المسلمین مصر ضمن پشتیبانی از انقلاب ایران، بیشتر بر «اسلامی» بودن آن تأکید می‌ورزد.

بررسی تحولات بعدی اسلام سیاسی - در دهه ۱۹۹۰ میلادی - می پردازد: از جنگ خلیج فارس تا جهاد طالبان (فصل ۹)، جنگ داخلی بوسنی (فصل ۱۰)، جنگ داخلی الجزایر (فصل ۱۱)، تروریسم در مصر (فصل ۱۲)، اسامه بن لادن و جنگ علیه غرب (فصل ۱۳)، فلسطین و اردن (فصل ۱۴) و اسلام گرایی در ترکیه (فصل ۱۵). به نظر نویسنده، دهه ۱۹۹۰ زمان بروز اختلاف و بحران در جریانات اسلام گرای خاورمیانه به شمار می آید و حمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ در این زمینه بسیار اثرگذار بود. در نتیجه این حمله، حکومت‌های منطقه تحت فشار فزاینده چند نیروی اجتماعی قرار گرفتند: اسلام گرایان رادیکال، اسلام گرایان میانه رو، و طبقه متوسط جدید. در نتیجه، هم کارآمدی و مشروعیت این حکومتها به زیر سؤال رفت و هم هم گرایی مخالفان حکومتها - به ویژه اسلام گرایان - بیش از گذشته خدشه دار شد. یکی از مهم ترین نمودهای بحران اسلام گرایی در این دوره در الجزایر ظاهر شد. پس از کودتای نظامیان الجزایر (۱۹۹۲)، اسلام گرایان بر سر شیوه رویارویی با این وضعیت دچار اختلاف شدند. رادیکالها

با جذب جوانان تندروی شهری به مبارزه گسترده مسلحانه روی آوردند، اما میانه روها از تأیید اقدام مسلحانه خودداری ورزیدند و برخی از آنها با مقامات دولتی مذاکره کردند. اگرچه نتیجه نهایی این جنگ به سود نظامیان بود، در خلال این درگیریها حدود ۱۰۰ هزار نفر کشته شدند. شیوه عملکرد اسلام گرایان رادیکال الجزایری (کشتار دسته جمعی، آدمربایی، ترور و راهزنی) چنان بود که رابطه آنان را با دیگر طبقات و نیروهای اجتماعی قطع کرد. همین نکته در اواخر دهه ۱۹۹۰ در مصر به چشم می خورد که کشتار وسیع غیرنظامیان و جهانگردان در سالهای ۹۷-۱۹۹۶ خشم جامعه - و از جمله بورژوازی دیندار - را برانگیخت و دست دولت را در سرکوب هرچه بیشتر رادیکالیسم اسلامی باز گذاشت. ضمن آنکه باید به یاد داشت در این زمان، دیگر از نظریه پردازی روشنفکران مذهبی برای چنین اقداماتی خبری نیست. ارزیابی ژیل کیپل، در بخش نتیجه گیری کتاب، آن است که چشم انداز روشنی برای شکل گیری دیگر باره وحدت کلمه وجود ندارد؛ روشنفکران مذهبی به بازبینی میراث گذشته مشغولند و از

رادیکالیسم پیشین خود دور شده اند، طبقه متوسط سنتی جایگاه بهتری در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی پیدا کرده است، و جوانان تهیدست شهری تحت تأثیر عواملی چند، چه داخلی و چه بین المللی، مانند گذشته رادیکال نیستند. از همه مهم تر اینکه، زمانه برای افکار سنت گرایانه و زمینه برای فعالیتهای تروریستی مناسب نیست. امروزه کمتر کسی از اقدامات طالبان در افغانستان حمایت می کند. بیان این نکات نه به معنای انکار فعالیتهای گروههای اسلام گرای رادیکال در آینده، بلکه به معنای افول و ضعف فعالیتهایی از این دست - و در عوض، رشد فعالیتهای سیاسی مسالمت آمیز - است.

مروری بر کتاب پر حجم جهاد: امتداد اسلام سیاسی نشان می دهد که نویسنده توانسته است به خوبی از عهده موضوعی مهم برآید و با فرا رفتن از توصیف صرف، چشم اندازی تحلیلی از پیدایش، گسترش و افول جنبشهای اسلام گرا در خاورمیانه و شمال آفریقا ترسیم کند. روشن است که وسعت دانش کپل، مشاهدات دقیق وی و نیز تسلط بر زبان عربی سبب شده است که

تحلیلهای وی از حالت قالبی و یا تئوریک صرف خارج شود و مبتنی بر مسموعات و مشهورات نباشد. البته می توان به نویسنده این اشکال را وارد کرد که کتابش حاوی اطلاعات و داده های جدیدی نیست و در برخی مسایل به کلی گویی کشیده شده است، اما این اشکال قابل توجیه و چشم پوشی است؛ چرا که از ابتدا چنین ادعایی وجود نداشته است. به عبارت دیگر، کپل در این کتاب به دنبال ارایه تصویری جامع و کلی از تحولات اسلام گرایی در دو دهه اخیر است، نه بررسی دقیق و جزئی تک تک کشورها.

دیگر نقطه قوت کتاب به این برمی گردد که نویسنده به فعالیتهای اسلام گرایان در اروپا توجه ویژه ای می کند و دو فصل را بدان اختصاص می دهد (فصل ۸ تحت عنوان فتوا و حجاب در اروپا، و فصل ۹ با عنوان شکست در پیوند جهاد با جنگ داخلی بوسنی). این امر موجب می شود که خواننده با تداوم فعالیتهای برخی گروههای جهادی در بالکان و میزان اثرگذاری آنها آشنا شود. در عین حال، موضوعی که در کتاب کمتر بدان توجه شده، اما از اهمیت زیادی

برخوردار است، محتوای اندیشه اسلام‌گرایان میانه‌رو است. کپل به خوبی نشان داده است که چگونه سیر حوادث منطقه‌ای و جهانی در دهه ۱۹۹۰، زمینه را برای اوج‌گیری فعالیت‌های جریان‌های میانه‌رو و مسالمت‌جو فراهم کرده است. با این حال، وی کمتر به محتوای چنین اندیشه‌ای می‌پردازد و در نتیجه این پرسش بی‌پاسخ می‌ماند که آیا چنین گرایشی از ظرفیت و توانایی لازم برای پاسخگویی به پرسش‌های مهم جوامع خاورمیانه‌ای و حل بحران‌های موجود برخوردار است یا خیر؟ نکته دیگر آن است که پذیرش الگوهای مسالمت‌آمیز برای فعالیت‌های سیاسی و مقبولیت ارزش‌های دموکراتیک، تنها به سود اسلام‌گرایان میانه‌رو تمام نشده است، بلکه افزایش اقدامات روشنفکران و فعالان سکولار را نیز در پی داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که آینده کشورهای خاورمیانه - چنان که کپل به طور گذرا متذکر شده است - در گروی شیوه تعامل حکومتها با گروه‌های سیاسی مسالمت‌جو - اعم از اسلام‌گرا و غیر آن - است. به رغم نقاط قوت کتاب، یک نقطه ضعف در این اثر وجود دارد و آن، نگاه نو

شرق‌شناسانه نویسنده است. اگرچه نو شرق‌شناسان، در مقایسه با شرق‌شناسان، توانسته‌اند ارزیابی‌های واقع‌بینانه‌تری از مسایل خاورمیانه و شمال آفریقا به دست دهند، با این حال زاویه دید آنان موجب می‌شود که تنوعات درونی جریان‌های اسلام‌گرا به طور کامل درک نشود و معمولاً تمامی جنبش‌های اسلام‌گرا، فارغ از تفاوت در پیشینه و محتوای فکری، به دو گروه تندرو و میانه‌رو تقسیم شوند. مطلب دیگری که شایسته بررسی جدی‌تر در این کتاب است، نقش طبقه متوسط جدید در تحولات اسلام‌گرایی است. به نظر می‌رسد چنانچه این مطلب پررنگ شود، تحلیل عمیق‌تری از اوضاع منطقه، به ویژه ایران، به دست می‌آید.